

دکتر منوچهر دانش پژوهان

بازکاوی مؤلفه‌های  
هویت ملی  
در شاهنامه  
فردوسی



# باز کاوی مؤلفه‌های هویت ملی در شاهنامه فردوسی

دکتر منوچهر دانش‌پژوهان



انتشارات اطلاعات  
تهران - ۱۳۹۷

|                      |                                                                   |
|----------------------|-------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه:             | دانش پژوهان، منوچهر، ۱۳۵۲ -                                       |
| عنوان و نام پدیدآور: | بازکاوی مؤلفه‌های هویت ملی در شاهنامه فردوسی / منوچهر دانش پژوهان |
| مشخصات نشر:          | تهران: اطلاعات، ۱۳۹۷                                              |
| مشخصات ظاهری:        | ۳۲۰ ص.:                                                           |
| شابک:                | 978-600-435-101-0                                                 |
| وضعیت فهرست نویسی:   | فیبا                                                              |
| یادداشت:             | واژه‌نامه                                                         |
| یادداشت:             | کتابنامه                                                          |
| موضوع:               | فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه - نقد و تفسیر             |
| موضوع:               | Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh - Criticism and interpretation     |
| موضوع:               | ویژگی‌های ملی ایرانی در ادبیات                                    |
| موضوع:               | National characteristics, Iranian, in literature                  |
| موضوع:               | هویت در ادبیات                                                    |
| موضوع:               | Identity (Philosophical concept) in literature                    |
| موضوع:               | شعر فارسی - قرن ۴ ق. - تاریخ و نقد                                |
| موضوع:               | Persian poetry - 10th century - History and criticism             |
| شناسه افزوده:        | مؤسسه اطلاعات                                                     |
| رده‌بندی کنگره:      | ۱۳۹۷ د ۲ و ۴۹۷/۹ PIR                                              |
| رده‌بندی دیویی:      | ۸۱۰/۲۲                                                            |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۵۳۸۴۸۵۱                                                           |



#### انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱  
 تلفن: ۲۹۹۹۳۲۵۵-۶  
 تلفن دفتر توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲  
 فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶  
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

#### باز کاوی مؤلفه‌های هویت ملی در شاهنامه فردوسی

نوشته دکتر منوچهر دانش پژوهان

ویراستار: افسانه قارونی  
 حروف نگار: مهیاسادات شریعی  
 صفحه‌آرا: زهره حلوانی  
 طرح جلد: رضا گنجی  
 حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات  
 چاپ اول: ۱۳۹۷  
 شمارگان: ۵۲۵ نسخه

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۱۰۱-۰ ISBN: 978-600-435-101-0

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

## فهرست

مقدمه ..... ۱۱

### بخش اول - کلیات

فصل اول: مفاهیم بنیادین پژوهش ..... ۲۱

ادبیات فارسی ..... ۲۱

تأثیر ادبیات بر هویت ملی ..... ۲۲

حماسه ..... ۲۷

شعر ملی ..... ۲۸

فصل دوم: هویت ملی ..... ۳۰

هویت ..... ۳۰

ویژگی های هویت ..... ۳۴

هویت ملی ..... ۳۶

فصل سوم: نظریه های هویت ملی ..... ۴۳

نقد نظریه ها ..... ۴۷

کارویژه های هویت ملی ..... ۴۹

ایجاد انسجام و همبستگی ملی در جامعه ..... ۴۹

ایجاد آگاهی ملی و جهت دهی به زندگی اجتماعی ..... ۵۰

تعیین سازو کارهای فرهنگ سیاسی ..... ۵۰

|                                          |     |
|------------------------------------------|-----|
| فصل چهارم: پیشینه هویت ملی ایرانیان..... | ۵۱  |
| فصل پنجم: مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی..... | ۶۵  |
| هویت فرهنگی.....                         | ۶۵  |
| عناصر شکل دهنده فرهنگ ایرانی.....        | ۶۸  |
| هویت دینی.....                           | ۶۹  |
| هویت تاریخی.....                         | ۷۶  |
| اسطوره.....                              | ۷۹  |
| تاریخ.....                               | ۸۱  |
| هویت جغرافیایی و سرزمین مشترک.....       | ۸۳  |
| رابطه هویت ملی و سرزمین.....             | ۸۸  |
| هویت سیاسی.....                          | ۸۹  |
| هویت زبانی.....                          | ۹۴  |
| هویت قومی و نژادی.....                   | ۱۰۱ |
| هویت اقتصادی.....                        | ۱۰۵ |

### بخش دوم- فردوسی و شاهنامه

|                                                                 |     |
|-----------------------------------------------------------------|-----|
| فصل اول: زندگی نامه فردوسی.....                                 | ۱۱۱ |
| فصل دوم: معرفی شاهنامه.....                                     | ۱۱۴ |
| فصل سوم: فردوسی و شاهکار او از نگاه چهار شاهنامه پژوه جهان..... | ۱۱۷ |
| فصل چهارم: اهمیت شاهنامه.....                                   | ۱۲۲ |
| فصل پنجم: ضرورت پژوهش در شاهنامه.....                           | ۱۳۲ |
| فصل ششم: کارکردهای هویتی شاهنامه.....                           | ۱۳۵ |
| کارکرد نژادی، قومی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی.....             | ۱۳۷ |
| کارکرد زبانی.....                                               | ۱۳۸ |
| کارکرد دینی.....                                                | ۱۳۹ |

### بخش سوم- مؤلفه‌های هویت ملی در شاهنامه

|                           |     |
|---------------------------|-----|
| مقدمه.....                | ۱۴۳ |
| فصل اول: هویت فرهنگی..... | ۱۴۶ |

|                                                            |            |
|------------------------------------------------------------|------------|
| دادگری .....                                               | ۱۴۸        |
| نامداری و نامجویی .....                                    | ۱۵۱        |
| خردورزی .....                                              | ۱۵۴        |
| شادی .....                                                 | ۱۵۶        |
| <b>فصل دوم: هویت دینی .....</b>                            | <b>۱۵۸</b> |
| یزدان پرستی و بینش توحیدی در شاهنامه .....                 | ۱۵۹        |
| تحلیل شخصیت‌های شاهنامه از بعد دینی .....                  | ۱۶۳        |
| فرّه ایزدی .....                                           | ۱۶۴        |
| اعتقادات دینی فردوسی .....                                 | ۱۶۷        |
| دیدگاه شیعی در شاهنامه .....                               | ۱۶۸        |
| دینهای مطرح شده در شاهنامه .....                           | ۱۷۱        |
| دین اسلام در شاهنامه .....                                 | ۱۷۱        |
| دین زردشتی و آیین مزدایی در شاهنامه .....                  | ۱۷۱        |
| دین مسیحی در شاهنامه .....                                 | ۱۷۳        |
| دین یهودی در شاهنامه .....                                 | ۱۷۳        |
| اشاره به دین مانی و مزدک در شاهنامه .....                  | ۱۷۴        |
| وحدت ادیان در شاهنامه .....                                | ۱۷۵        |
| <b>فصل سوم: هویت تاریخی .....</b>                          | <b>۱۷۸</b> |
| <b>فصل چهارم: هویت جغرافیایی .....</b>                     | <b>۱۸۶</b> |
| تعریف مرز جغرافیایی .....                                  | ۱۸۹        |
| پیشینه تعیین مرزهای جغرافیایی و نام ایران در شاهنامه ..... | ۱۸۹        |
| مرزهای جغرافیایی ایران زمین در شاهنامه .....               | ۱۹۳        |
| مرزهای شمال شرقی .....                                     | ۱۹۳        |
| مرز شرقی .....                                             | ۱۹۵        |
| مرزهای غربی .....                                          | ۱۹۵        |
| مرزهای شمال غربی .....                                     | ۱۹۶        |
| مرزهای جنوبی .....                                         | ۱۹۶        |

|          |                                                                 |
|----------|-----------------------------------------------------------------|
| ۱۹۷..... | یکپارچگی سرزمین و انگیزه برای دفاع از مرزهای آن                 |
| ۱۹۹..... | ایجاد نگرش مثبت به سرزمین خود                                   |
| ۲۰۲..... | فصل پنجم: هویت سیاسی                                            |
| ۲۰۴..... | نگرش شاهنامه نسبت به چگونگی تشکیل دولت و ملت                    |
| ۲۰۹..... | پیوند میان هویت دینی و هویت سیاسی                               |
| ۲۱۴..... | نظام سیاسی مجلس محوری یا شورایی                                 |
| ۲۱۵..... | پیامدهای نابودی حکومت و نظام سیاسی                              |
| ۲۱۸..... | نگرش مردم به چگونگی اداره امور کشور                             |
| ۲۲۰..... | پرچم به عنوان نماد حکومت و نظام سیاسی                           |
| ۲۲۳..... | بهترین نوع حکومت و بهترین حاکم                                  |
| ۲۲۴..... | پایه‌های نظام سیاسی و حکومت آرمانی در شاهنامه                   |
| ۲۲۴..... | خردورزی                                                         |
| ۲۲۵..... | مشروعیت یافته ایزدی پادشاه                                      |
| ۲۲۵..... | دادگری                                                          |
| ۲۲۶..... | دفاع از ایران                                                   |
| ۲۲۶..... | برتری نژادی حاکمان بر اساس اصول انسانی                          |
| ۲۲۷..... | پیوند دین و سیاست                                               |
| ۲۲۹..... | فصل ششم: هویت زبانی                                             |
| ۲۳۲..... | وضعیت زبان فارسی در روزگار سرایش شاهنامه                        |
| ۲۳۳..... | نقش شاهنامه در تداوم حیات زبان فارسی                            |
| ۲۳۹..... | فصل هفتم: هویت قومی و نژادی                                     |
| ۲۳۹..... | پیشینه برتری نژادی                                              |
| ۲۴۰..... | ویژگی‌های نژاد ایرانی از دید شاهنامه                            |
| ۲۴۳..... | نکوهش و ویژگی‌های بد و ستایش و ویژگی‌های خوب نژادهای غیر ایرانی |
| ۲۴۶..... | دلایل برتری نژاد ایرانی در شاهنامه                              |
| ۲۴۸..... | نژاد عرب و ترک در شاهنامه                                       |
| ۲۵۱..... | نژادها و اقوام دیگر در شاهنامه                                  |

|                                              |     |
|----------------------------------------------|-----|
| فصل هشتم: هویت اقتصادی.....                  | ۲۵۴ |
| سیر تکاملی حیات اقتصادی در شاهنامه.....      | ۲۵۴ |
| تشکیل طبقات اقتصادی در شاهنامه.....          | ۲۵۷ |
| معرفی مشاغل و ویژگی های آنها در شاهنامه..... | ۲۵۹ |
| انواع مشاغل در شاهنامه.....                  | ۲۶۱ |
| آموزگاری.....                                | ۲۶۲ |
| پزشکی.....                                   | ۲۶۲ |
| ستاره شناسی.....                             | ۲۶۲ |
| مهمترین مشاغل در شاهنامه.....                | ۲۶۲ |
| موبدی.....                                   | ۲۶۲ |
| وزارت و دبیری.....                           | ۲۶۳ |
| نظامی گری در شاهنامه.....                    | ۲۶۴ |
| پاسبانی.....                                 | ۲۶۵ |
| منادی گری.....                               | ۲۶۵ |
| مشاغل مردم عادی در شاهنامه.....              | ۲۶۵ |
| بازرگانی.....                                | ۲۶۵ |
| کشاورزی.....                                 | ۲۶۷ |
| باغداری.....                                 | ۲۶۸ |
| حمایت پادشاهان از طبقه هایی با درآمد کم..... | ۲۶۹ |
| دامپروری.....                                | ۲۷۰ |
| فصل نهم: تجلی هویت ملی در شاهنامه.....       | ۲۷۳ |

### بخش چهارم-نتیجه گیری

|                          |     |
|--------------------------|-----|
| نتیجه گیری.....          | ۲۸۱ |
| مؤلفه هویتی فرهنگ.....   | ۲۸۳ |
| مؤلفه هویتی دین.....     | ۲۸۴ |
| مؤلفه هویتی تاریخ.....   | ۲۸۵ |
| مؤلفه هویتی جغرافیا..... | ۲۸۶ |

|          |                        |
|----------|------------------------|
| ۲۸۷..... | مؤلفه هویتی سیاست      |
| ۲۸۸..... | مؤلفه هویتی زبان       |
| ۲۸۹..... | مؤلفه هویتی قوم و نژاد |
| ۲۹۰..... | مؤلفه هویتی اقتصاد     |
| ۲۹۱..... | سخن فرجامین            |
| ۲۹۹..... | منابع                  |

## مقدمه

امروزه مسئلهٔ دشوار و پیچیدهٔ هویت، از مشغله‌ها و دغدغه‌های فکری بسیاری از متفکران دینی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی دولتمردان و هنرمندان شده است. چالشهای هویتی، امروزه سرنوشت‌سازند. هویت پیش‌شرط هر نوع عمل، به‌ویژه عمل اجتماعی و شرط لازم توسعه است. داشتن یک هویت مشخص و مستقل برای افراد یک کشور، نه تنها عنصر اصلی زندگی افراد تلقی می‌شود؛ بلکه به زندگی فردی و اجتماعی انسان معنی می‌دهد و آن را از پویایی خاصی برخوردار می‌نماید. شرط اصلی دستیابی به توسعهٔ پایدار در هر کشور، تربیت نیروی انسانی کارآمد با گرایشهای لازم فرهنگی، اجتماعی و ... است.

تلاش برای ایجاد هویت ملی، بر بنیانهای فرهنگی، تاریخی، دینی و یا حتی سیاسی و ساختن ملتی واحد از اجتماعات متنوع، مسائلی را پدید آورده که تقریباً در تمام کشورهای دنیای امروز، دامن‌گیر دولتهاست. از این‌رو، بحث هویت و مؤلفه‌های آن از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان بوده و به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مباحث جامعه‌شناسی، به‌ویژه جامعه‌شناسی سیاسی در کانون پژوهشها قرار گرفته است. محور این پژوهشها نیز بر این پایه بوده که نشان دهند «هویت» به‌عنوان یک پدیدهٔ سیاسی و اجتماعی، نوزاد عصر جدید و به‌عنوان یک مفهوم علمی از ساخته‌های تازهٔ علوم اجتماعی است که از نیمهٔ دوم قرن پیشین، به جای «خلق و خوی فردی، جمعی یا ملی» رواج یافته است؛ اما با وجود این گرایش مسلط،

کمتر اندیشمندی در این واقعیت تردید روا می‌دارد که آدمی از آن زمان که به صورت انسانی و اجتماعی درآمد، همواره دل‌مشغول هویت فردی و جمعی خویش بوده است؛ چراکه بدون ایجاد هویت فردی، هویت اجتماعی و ملی پدید نمی‌آید.

دنایای امروز، ضرورت انجام «پژوهشهای بین‌رشته‌ای» و خلأ وجود علوم جدیدی را که بدین هدف سمت و سو بخشند، به‌خوبی درک نموده و با ایجاد شاخه‌های «علمی - تلفیقی» به این نیاز پاسخ گفته است. از تازه‌ترین این رشته‌ها، «دانش کاربردی» و پویای «جامعه‌شناسی ادبیات» یا تحلیل محتوای آثار ادبی از دید جامعه‌شناسانه است که از رهگذر آن می‌توان به ژرف‌کاوی و بررسی دقیق و جزء به جزء محتوای آثار ادبی دست یافت. هدف اصلی جامعه‌شناسی ادبیات، در شناخت و تبیین پیوند پیچیده و پویای آثار ادبی با زمینه‌های اجتماعی است. در این تعریف، هدف از بررسی آثار ادبی، استخراج، طبقه‌بندی، توصیف و «تحلیل پیام» و مضامین اجتماعی - سیاسی، فرهنگی، تاریخی و ... است که آثار ادبی به مخاطبان خود انتقال داده‌اند.

در این شیوه، بیشتر آثاری ادبی بررسی می‌شوند که در آنها واقعیات مسائل اجتماعی و آگاهی جمعی و «تاریخ اجتماعی» به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بیان می‌شوند. از این‌رو، این آثار، ارزش جامعه‌شناختی بسیار بالایی دارند. معمولاً مسائل اجتماعی مطرح شده در آثار ادبی، در روستا و گاهی نیز در ژرف‌ساخت اثر یافت می‌شوند و نیاز به استخراج آنها از بطن آثار ادبی است.

در عصر کنونی با پیشرفت چشمگیر در عرصه ارتباطات و اطلاعات و نفوذ بسیار گسترده الگوهای مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، افراد با هجوم انبوهی از اطلاعات، ارزشها و الگوها روبه‌رو هستند و مسلماً هویت، به‌عنوان مجموعه‌ای از عواطف، احساسات، ارزشها، تعلقات و وابستگی‌ها، در این مسیر، دچار تحولات مهمی خواهد شد. زمانی که افراد از هویت‌های گذشته خود جدا شده و به هویت‌های جدید نیز نمی‌توانند بپیوندند، دچار بلاتکلیفی و سردرگمی می‌شوند. در این وضعیت، افراد با پرسش‌هایی از قبیل: ما که بوده و هستیم و چه باید باشیم، روبه‌رو خواهند شد. این حالت بلاتکلیفی و سردرگمی یا به عبارت بهتر، «بحران هویتی» زمینه لازم را برای آسیب‌پذیری جامعه و مردم، در برابر عوامل خارجی و نفوذ «فرهنگ‌ها» و هویت‌های

مختلف فراهم می‌سازد.

بر کسی پوشیده نیست که سرزمین ما ایران، از نظر «فرهنگ» و «تمدن» از غنای فراوانی برخوردار است. در حال حاضر با تهاجم فرهنگی، «جهانی‌شدن» و سیطره مفاهیم «مدرنیته» بر ساحت فردی و اجتماعی جامعه ایران، ضرورت استفاده از آثار ادبی و فرهنگی ایران را به‌عنوان میراث ادبی و فرهنگی در تکوین و بازیابی «هویت ملی» ایرانیان دوجندان ساخته است. در عصری که تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، با شتاب زیادی در حال تکوین است و درحالی‌که پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، هضم و حذف فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی را نشانه گرفته است، فرهنگی که هویت ملی خویش را حفظ و تقویت نماید، پایدار می‌ماند. هویت ملی می‌تواند میراث فرهنگی یک ملت باشد؛ چراکه میراث فرهنگی هر ملت، بیانگر هویت فراموش‌نشده آن مردم است؛ بنابراین، برای ایرانیان که دارای هویت ملی دیرین و ریشه‌داری هستند، شناخت هویت ملی موجب آگاهی و تسلیم‌نشدن در برابر هویت‌های مهاجم می‌گردد.

بدیهی است که نقش عناصر و ساختارهای متعدد فرهنگی، اجتماعی و ملی در تکوین و تداوم روند نوسازی هویت ملی بسیار حیاتی است. برای آنکه به کار شناخت و حفظ هویت ملی بپردازیم، باید میراث سرزمین خویش را به‌خوبی بشناسیم و بدانیم که از چه سخن می‌گویید؛ چراکه میراث‌های فرهنگی و تاریخی هر ملت، نشانه‌هایی از تاریخ، هویت و فرهنگ آن به شمار می‌روند که روح آن ملت در وجود آنها متجلی می‌گردد. از این‌رو، هویت هر ملت، عامل مؤثری در جهت شناختن خویش و شناساندن خود به دیگران است. اگر ملتی هویت خود را به دست فراموشی بسپارد، راهی جز «تقلید» از بیگانگان در پیش رو نخواهد داشت؛ البته باید توجه داشت که جوامع بر هم تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرهنگی دارند که می‌تواند به پیشرفت و بالندگی آنها بینجامد؛ ولی تقلید فرهنگی، به خودباختگی در برابر فرهنگ‌های مهاجم می‌انجامد و هویت جامعه را از بین می‌برد.

از این‌رو، ما باید با تلاش و کوشش از هویت سرزمین خویش، به مثابه بخشی از سرمایه‌گذاری، برای ساختن آینده‌ای پربار و سودمند، استفاده نماییم. باید به این امر آگاهی داشته باشیم که پایه‌گذاران فرهنگ و هویت ایرانی، مردمی بوده‌اند سخت‌کوش

و آگاه به راز و رمز طبیعت و محیط پیرامون خود. آنها یک دم از اندیشیدن درباره جهان و آنچه در آن است، بازنیستادند؛ بنابراین یکی از سرمایه‌های نخستین و بنیادین هر جامعه‌ای، مسئله هویت و ملیت آن است. سرمایه‌ای که بدون آن، حیات جامعه با خطرهای گوناگون و روزافزون، روبه‌رو می‌شود و در نهایت به ضعف و سستی می‌گراید. احساس هویت، درون یک ملت و جامعه، نشانه اعتماد گسترش یافته، رضایت و تجربه زندگی کردن در یک زیست‌بوم فرهنگی مشترک است. بدون تجربه‌های مشترک، هویت فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی شکل نمی‌گیرد. از این رو نوسازی هویت ملی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و مقدمه‌ای لازم برای بقا و تداوم حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و ضعف در ابعاد و مؤلفه‌های هویت‌ساز آن، در نهایت به فاصله گرفتن مردم یک سرزمین از یکدیگر و از دست رفتن و تضعیف احساس هم‌سرنوشتی می‌گردد. بنابراین، هویت ملی فرایندی است که پیوسته نیازمند بازتولید است تا بتواند نیازهای روز جامعه را برآورده سازد (زمانیان، ۱۳۸۶: ۳۹۹). هر ملتی که خواستار توانمندی و اقتدار ملی است و نمی‌خواهد تا در برابر دیگر فرهنگ‌ها سر تسلیم فرود بیاورد و هویت ملی خویش را ببازد، باید بر توانایی‌های فرهنگی و تاریخی خود تکیه کند و با شناختی واقع‌بینانه از آنها بهره‌گیری. امروز کمتر جامعه‌ای را می‌توان سراغ داشت که برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه، تکیه بر هویت فرهنگی و ملی خود را اساس کار نداند.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند پروژه جهانی‌شدن با هدف یکسان‌سازی و همسان‌سازی فرهنگی، درصدد تحمیل شیوه زندگی غرب بر سایر جوامع و تسلط همه‌جانبه غرب و فرهنگ غربی بر جهان است، تا از طریق از خودبیگانگی و خودباختگی سایر ملتها (به‌ویژه کشورهای در حال توسعه) در برابر فرهنگ غربی، آنها را به تسلیم در برابر ابزارهای تبلیغی و ارتباطی خود وادار کند. در برهه‌های حساس تاریخ یک ملت، در هنگامه هجوم اقوام مهاجم، در تقابل نیروهای داخلی و در گم‌گشتگی‌های فرهنگی و سیاسی، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تأثیرپذیر موضوع «هویت ملی» است. در این میان، آنچه پیوند میان ملتی را استوار می‌سازد، نیرویی توانمند به نام «هویت ملی» است. هویت هر ملت، وامدار پیشینه فرهنگ، اندیشه‌ها، آمال و آرزوها، اراده و خواست آن ملت در دوره‌های متمادی تاریخ است

(مرادی کوچی، ۱۳۸۶: ۲). عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که فرایند «جهانی‌شدن»، با تجزیه کردن هویت‌های ملی، موجب ایجاد تنش‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و از دست رفتن یکپارچگی و وحدت ملی و نظام‌های سیاسی آنان خواهد شد (گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰: ۸). از این رو، بر همهٔ ماست که میراث پراچ ادبی و فرهنگی خود را پاس بداریم و برای شناخت تاریخ، فرهنگ و هویت خود، به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزیم؛ بنابراین اندیشمندان جامعه باید بکوشند تا از سازوکارهای لازم برای زنده نگه‌داشتن فرهنگ و هویت ملی و نشان دادن ارزش‌های زندگی ساز آن به جامعه بهره بجویند.

هویت، پاسخی به چیستی و کیستی هر فرد است که در واقع مجموعهٔ ویژگی‌هایی است که هر شخصی را از دیگری، متمایز می‌کند. هویت دارای مؤلفه‌های تشکیل‌دهندهٔ متفاوتی از جمله هویت دینی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و... است. هویت ملی، بالاترین و مهمترین نوع هویت است و به مجموعه ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، زبانی، قومی و... گفته می‌شود که زندگی انسانی را دربر می‌گیرد و اعضای جامعه به آن می‌بالند و به آن افتخار می‌کنند. (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۱)

هویت ملی با چنین ترکیب و ویژگی‌هایی، جایگاه پیچیده و منحصر به فردی می‌یابد. چون یکی از چالش‌های همیشگی تاریخ ایران بوده است. ملت و کشور ایران - که از جمله ملت‌های دیرپا در طول تاریخ است - همواره در فرایند تاریخی خود، تلاش کرده هویت و موجودیتش را در برابر اقوام و ملل دیگر، حفظ نماید.

سرزمین ایران در دوران حکمرانی خلیفهٔ دوم با هجوم تازیان روبه‌رو گردید. ایرانیان که از وجود اختلاف طبقاتی در دوران ساسانی (داستان کفش‌گر و خسرو انوشیروان در شاهنامه) به تنگ آمده و از سختگیری‌های موبدان زرتشتی نیز ناراضی بودند، مفاهیم دین جدید اسلام، مانند عدالت، تقوا، برادری و مهربانی را با آرمان‌های خود همسو دیدند و با آغوش باز دین اسلام را پذیرفتند. با ورود تازیان به ایران و سپس در دو، سه قرن اولیهٔ اسلامی، آمدن ترکان به ایران و تشکیل حکومت‌های ترک‌نژاد، جامعهٔ ایرانی دچار بحران‌هایی در زمینهٔ مسائل کشوری، لشکری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شد. تعارض میان شیوهٔ کشورداری ایرانی با تازیان و ترکان و ناآشنایی

فرمانروایان بیگانه با آداب مملکت‌داری ایرانی، همگی زمینه‌سازی بحرانهای جدی در زمینه شیوه حکومت کردن در کشور را فراهم کرد. افزون بر آن این تهاجمات، در حوزه مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و سایر حوزه‌ها، بحرانهایی را در تمامی زمینه‌ها به وجود آورد که مهمترین آن بحران هویت ملی در میان ایرانیان بود؛ چراکه ایرانیان هویت خویش را بر اثر این حملات از دست داده و هویت تازیان و ترکان را نیز نپذیرفته بودند. گفتنی است ایجاد این بحرانها، انگیزه ایرانیان را برای تلاش بیشتر در جهت نشان دادن دانش، فرهنگ و تمدن ایرانی به اقوام مهاجم افزایش داد و سبب تألیف کتابهای بسیاری در زمینه‌های مختلف شد که ابن ندیم، نام آنها را در فهرست خود ذکر کرده است، ولی متأسفانه امروز اثری از آنها در دست نداریم. در قرن چهارم جنبشی در میان ایرانیان پدید آمد که به بازسازی تاریخ و هویت ملی و فرهنگی سرزمین ایران انجامید. این جنبش، بازسازی داستانها و اسطوره‌های ایرانی بود که شاعران و نویسندگان ایرانی هر کدام به سهم خود کوشیدند به دفاع و صیانت از حریم هویت ملی ایرانیان پردازند و اوج آن را در کتاب ارزشمند و شاهکار بزرگ فردوسی توسی می‌بینیم؛ چراکه وی از خاندان اصیل و ریشه‌دار ایرانی بود و با پیشینه تاریخی و فرهنگی ایران به خوبی آشنا بود؛ افزون بر آن، به منابع تاریخی نیز دسترسی داشت. از این رو، شاهنامه در این دوره پراشتهاب، وظیفه بازسازی و روایت تاریخ ایران باستان و انتقال آن به دوره بعد از اسلام را بر عهده گرفت؛ بنابراین شاهنامه محصول دوره‌ای است که مردم ایران‌زمین از یک سو تحت فشار تازیان بودند که ایرانیان را عجم می‌خواندند و از سوی دیگر، مورد تهاجم ترکان آسیای مرکزی قرار داشتند. در این شرایط بهترین نوع ادبیات، ادبیات حماسی بود که بتواند ایرانیان را متحد نماید و آنان بتوانند شخصیت منکوب و درهم‌شکسته خویش را التیام بخشند. روشی که فردوسی برای بیان اندیشه‌ها، عواطف و احساسات خود به کار گرفت، سبب شد که ایرانیان عظمت از دست رفته خود را نوسازی کنند و آثار شکست و اندوه را از ذهن و عرصه زندگی خویش پاک نمایند.

بیشتر اندیشمندان حوزه «جامعه‌شناسی» و «ادبیات»، به اهمیت منحصر به فرد شاهنامه فردوسی، در معرفی هویت ملی سرزمین ایرانیان و «مؤلفه‌های» تشکیل دهنده آن، اشاره کرده و در این موضوع هم‌عقیده‌اند که اوج شکوفایی بازایی این هویت را

می‌توان در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی مشاهده کرد؛ بنابراین می‌توان گفت؛ شاهنامه شاهکار جاویدان فردوسی، بدون شک از منابع اصلی هویت ملی و فرهنگی ایرانیان محسوب می‌گردد. به گونه‌ای که می‌توان آن را معتبرترین سند هویت و شناسنامه ملی ایرانیان دانست؛ چراکه از میان تمام شاعرانی که به زبان فارسی شعر گفته‌اند، تأثیر فردوسی بادوام‌تر از دیگران بوده است. شاهنامه بسان ارزشمندترین گوهر اقیانوس ژرف «ادبیات حماسی» جهان، با بیان گونه‌های بسیاری از مؤلفه‌ها و الگوهای هویت اصیل ایرانیان، حلقه گمشدهٔ تکوین و تداوم این هویت است.

فردوسی در شاهنامه به دنبال آن است تا ویژگی‌های ذاتی ایرانیان، عناصر مربوط به تفکر آنان و الگوهای کلی زندگی ایرانی را در سستهای مشترک اجتماعی گرد آورد و با آن، نظم و ترتیبی خاص در رفتار همهٔ اعضای جامعهٔ ایرانی پدید آورد. به بیان کلی‌تر، شاهنامه شاهکاری است که در برابر از هم پاشیدگی هویت ایرانیان مقاومت کرده است؛ از ایجاد شکاف و جدایی‌های قومی و حرکت‌های ناهماهنگ که موجب گسست پیوندهای مردم جامعه می‌شود، جلوگیری کرده و از حدود جغرافیایی، تاریخی و ویژگی‌های فرهنگی و هویت ملی ایرانیان دفاع کرده است. شاهنامه، اثر جاویدان فردوسی، بی‌شک از منابع اصلی هویت ملی ایرانیان است. اگر بگوییم؛ بدون وجود شاهنامه، هویت برجستهٔ ملی ایرانی، با چالش روبه‌رو می‌شد، سخنی به‌گراف نگفته‌ایم؛ چراکه ملت‌های پیش از ما به واسطهٔ نداشتن ستون استواری چون شاهنامه، یا از هم پاشیده‌اند و یا چنان دچار تحول شده‌اند که بارها زبان، فرهنگ، آیین زندگی و هویت ملی آنها دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. شاهنامه به‌عنوان بزرگترین میراث ملی و فرهنگی و تبلور اندیشه‌های ناب ایران، تاریخ گذشته، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های هویت ایرانیان را بازگو نموده است؛ به گونه‌ای که می‌توان امروز آن را آئینهٔ تمام‌نمای هویت یا به عبارت دیگر، هویت‌نامهٔ ایرانیان دانست.

محتوای شاهنامه، همراه با درک عمیق آن از ویژگی‌های فرهنگی و زبان شیوای فردوسی، که ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، به تمام معنا در آن انعکاس یافته است، در اقصی نقاط ایران - با پهنهٔ بزرگ فرهنگی خود - گسترش یافته و تا پیش از رواج وسایل ارتباط جمعی امروزی، در زمرهٔ مطرح‌ترین و پرطرفدارترین کتابها در بین خانواده‌های ایرانی بوده است. شاهنامه فردوسی همیشه مورد توجه مردمان از هر طایفه و قوم و

طبقه بوده و نه تنها بخشی مهم از تاریخ این کشور را در خود جای داده، بلکه سبب ثبات و پایداری زبان فارسی و حفظ روحیه ملی در کشور شده و با تأثیرگذاری بر ذهنیت تاریخی و فرهنگی جامعه ایرانی در بازسازی هویت ایرانیان، نقشی تأثیرگذار داشته است؛ بنابراین، می‌توان با بررسی و پژوهش در آن، الگوی اصیل هویت ملی ایرانیان را بازشناسی و بازتولید کرد؛ از آنجا که شاهنامه سند هویت ملی ایرانیان است، لازم است نسبت به شناسایی این میراث اقدام کرد و در فعالیت‌های تحقیقی از آن به نفع فرهنگ و هویت ایرانی بهره برد. کارساز ساختن اطلاعات علمی مربوط به این میراث فرهنگی، به توسعه و ترقی تاریخ، فرهنگ و هویت ملی ما کمک خواهد کرد و در زمینه‌هایی مدد رسان امور علمی و پژوهشی ما خواهد بود. صرف اطلاع بر وجود چنین میراث باارزشی، به خودباوری نسل جوان در سایر زمینه‌های علمی نیز کمک خواهد کرد. با بهره‌گیری از چنین میراثی می‌توان به حضوری فعال‌تر از نظر فرهنگی و علمی در سطح جهان اهتمام ورزید و جایگاه ویژه خویش را در جامعه جهان کسب کرد (خیراندیش، ۱۳۸۴: ۱۷۰). چراکه فردوسی در اثر جاودان خود شاهنامه، به بازتولید هویت ملی ایرانی مبتنی بر پیشینه موجود در حافظه تاریخی ایرانیان پرداخته است که در چهار قرن نخستین آمدن تازیان به ایران و برافتادن پادشاهی ساسانی، مجال ظهور نیافته بود.

انجام این پژوهش افزون بر فواید علمی، به گونه‌ای ارج نهادن بر تلاش و کوشش مرد بزرگی است که در دوران بسیار پرمخاطره و حساس ایران‌زمین، برای نگاهبانی از هویت ملی سرزمین خویش، عمر گرانبهای خود را صرف کرد. در پرتو تلاش‌ها و از خودگذشتگی‌های فردوسی و دیگر بزرگان تاریخ ادب پارسی، برای حفظ هویت و ملیت و با مایه گرفتن از فرهنگ غنی و ریشه‌دار ایرانی بود که ما امروزه به هویت ملی خود می‌بالیم و به آن افتخار می‌کنیم.

بخش اول

کلیات

## فصل اول

# مفاهیم بنیادین پژوهش

### ادبیات فارسی

ادبیات در مفهوم عام کلمه، به تمام آثار مکتوب بر جای مانده از گذشته اطلاق می‌شود که در نظم و نثر، موضوعاتی از قبیل: حکمت، فلسفه، تفسیر و تأویل متن‌های مقدس، عرفان، حماسه، داستان، تاریخ و... را دربر می‌گیرد و عنصر تخیل، زیبایی، عاطفه، ابهام در بیان و کیفیت طرح مضامین و اندیشه‌های بدیع در آنها تشخیص دارد و منبعی عظیم برای بررسی افکار و اندیشه‌های انسانهای پیشین و پایش عناصر فرهنگ ایرانی است. زبان و ادب فارسی، به مثابه کانون همبستگی و یکپارچگی ملی اقوام ایرانی و پیونددهنده میراث و سنتهای فرهنگی گذشتگان، نسل معاصر و آینده، همواره جایگاه درخور توجهی در میان فارسی‌زبانان ایران و سراسر جهان داشته و دارد و از غنا و پویایی ارزنده‌ای بهره‌مند است. ادبیات فارسی یکی از غنی‌ترین ادبیات در میان ادبیات زنده جهان است؛ به گونه‌ای که آن را یکی از عظیم‌ترین ادبیات بشریت خوانده‌اند. (Arberry 1953: 200)

این غنا هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی بسیار توجه‌برانگیز است. از نظر کمی حجم متون ادبی تولید شده به زبان فارسی، به نسبت گویشوران آن، بسیار بالاست. به گونه‌ای که از آغاز شعر فارسی در قرن سوم هجری تا آغاز سلسله صفویه آثار شاعران بسیار زیادی به دست ما رسیده و گفته شده که در دربار سلطان محمود غزنوی به تنهایی بیش از چهارصد شاعر برجسته وجود داشته است. (Bosworth, 1998: 114) و

(Rypka, 1968) پس از خارج شدن شعر و ادبیات از دربار، در دوره صفوی، و راهیابی آن میان عموم مردم، تنها در دوره صفویه نام و نشان بیش از هزار شاعر فارسی‌زبان را می‌توانیم در تذکره‌ها مشاهده کنیم که آثارشان به دست ما رسیده است. (نصرآبادی، ۱۳۶۱) غنای ادبیات فارسی از لحاظ کمی هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که در نظر بگیریم شاهنامه فردوسی خود نزدیک به شصت هزار بیت، مجموع اشعار عطار بیش از صد هزار بیت و مثنوی معنوی و غزلیات مولانا مجموعاً بیش از شصت هزار بیت است. این حجم عظیم ادبیات درباره شاعران متأخر نیز صدق می‌کند و کافی است بدانیم از میان هزار شاعری که در عصر صفوی نام و نشان آنها باقی است، دیوان صائب تبریزی، به‌تنهایی، بیش از صد و بیست هزار بیت دارد. (صفا، ۱۳۳۸) غنای زبان و ادبیات فارسی از لحاظ کیفی نیز بسیار قابل توجه است. امروزه آثار فردوسی، خیام، سعدی، مولانا و حافظ از شهرت و محبوبیتی جهانی برخوردار هستند و بر ادبیات بسیاری از کشورها تأثیرگذار بوده‌اند؛ بدیهی است این غنای ادبی در عرصه تبادلات فرهنگی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. (نقوی و رادفر، ۱۳۹۱)

### تأثیر ادبیات بر هویت ملی

ادبیات هر کشور، آینه تمام‌نمای اوضاع و احوال فرهنگی و اجتماعی آن کشور در اعصار مختلف است. از این رو، بررسی ادبیات از منظر آرا و ارزشهای فرهنگی و اجتماعی، بعد از پیدا شدن دانش جامعه‌شناسی ادبیات در قرن نوزدهم، پدید آمد. در این رویکرد، شاعر یا نویسنده، یک موجود اجتماعی است که از جامعه تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر، رنگ و بوی ویژه‌ای بر آثار او می‌گذارد؛ بنابراین رابطه و پیوند استواری میان ادبیات و جامعه ایجاد شده است. ادبیات از گذشته‌های دور تا امروز، همواره در جستجوی اجتماعی آرمانی است و همواره تلاش کرده است، ویژگی‌ها و بحرانهای جامعه را منعکس کرده و به آن پاسخی درخور دهد؛ بنابراین یکی از روشهای شناخت پیشینه و بن‌مایه‌های هویت ملی هر سرزمین، بررسی متون تاریخی و ادبی روزگاران پیشین آن جامعه است.

غالب اندیشمندان این حوزه معتقدند جامعه و ادبیات دارای کنشی متقابل هستند؛ بدین معنی که از یک‌سو، شرایط کلی جامعه موجب ظهور ادبیات خاصی

می‌شود و از سوی دیگر، همین ادبیات با همه مختصات خود، بر زندگی نسل‌های مختلف، مؤثر می‌افتد و بر بینش و روش فردی و اجتماعی اعضای جامعه تأثیر می‌گذارد؛ چراکه اندیشه و شرایط فکری نویسنده یا سراینده، تابع متغیرهایی از شرایط اجتماعی است که سبب بازتاب این اندیشه‌ها و شرایط فکری یا روحی در آثار او می‌گردد. از این رو، در تاریخ ادبیات ایران، می‌توان دوره‌های متفاوتی یافت که در هر دوره به اقتضای شرایط حاکم بر جامعه، ادبیات ویژه‌ای تولید گردیده است.

یکی از موضوعاتی که به خوبی در ادبیات فارسی بازتاب یافته است، موضوع هویت ملی ایرانی است. در سرزمین ایران، آثار ادبی زیادی دیده می‌شود که می‌توان با بررسی آنها به چگونگی فرهنگ و هویت ملی ایرانیان دست یافت.

اهمیت ادبیات فارسی، شعر و ادب و هنر کلامی، در سرنوشت مردم ایران و در وحدت و تکوین هویت ملی آنان، بیش از اهمیت زبان و ادبیات در دیگر ملتها و فرهنگ‌ها بوده است. (رضا، ۱۳۸۶: ۴۵)

بنابراین یکی از راه‌های اصلی مقابله با پیامدهای منفی جهانی‌سازی یا غربی‌سازی، احیای هویت و شخصیت ملی است. در این راه می‌توان از ادبیات استفاده نمود؛ چراکه ادبیات هر ملت، به عنوان آینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت ملی آن ملت، جایگاهی ارزنده دارد. به عبارت دیگر، ادبیات هر ملت، با دارا بودن ویژگی‌های متعدد از تمامی علوم و هنرها، تصویری جاودان، برای بازتاب دادن ذات و فرهنگ اقوام و مللی است که در دوران تاریخ و در اعصار و قرون مختلف پا به عرصه وجود نهاده و توانسته‌اند، در مسیر تاریخ تأثیرگذار باشند.

از این رو، ادبیات را می‌توان مهمترین تجلی‌گاه هویت و هستی‌شناسی ملتها دانست؛ چراکه انعکاس‌دهنده آداب و آیین‌ها، ادیان، هنرها، افکار و اندیشه‌های هر ملتی است. ادبیات به عنوان وسیله شناخت و شناساندن جامعه یا تمدن می‌تواند برای برقراری ارتباط میان نسل‌های گذشته و حال در تمامی زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا می‌تواند راهی برای حفظ ریشه‌های مشترک هویت ملی باشد. از سوی دیگر، ادبیات از جمله مقولاتی است که به سبب برخورداری از ویژگی‌های بازتاب‌دهندگی هویت جامعه، می‌تواند با گردآوری عناصر هویتی و متمرکز ساختن آن، در فرایند حفظ هویت ملی، اثربخش باشد.

ادبیات شکوهمند فارسی، حاصل تلفیق خرده‌فرهنگ‌های متکثر و متنوع جغرافیای فرهنگی ایران‌زمین و محور اساسی حفظ و انتقال هویت ملی ایرانیان محسوب می‌شود (قبادی، ۱۳۸۶: ۲۴۷)؛ چراکه کارکرد اصلی ادبیات فارسی در این سرزمین، شناسنامه هویت ملی ایرانی و کانون زایش فرهنگ و هویت این مرز و بوم بوده است. ادبیات شکوهمند فارسی تجلی‌گاه زندگی فردی و اجتماعی ما ایرانیان است و با طرح موضوعاتی مانند تاریخ، جغرافیا، سیاست، اقتصاد، دین، عرفان، فرهنگ و دانشهایی مانند؛ طب، نجوم، فلسفه، کلام، منطق و... لباسی بر قامت ایرانیان دوخته است که می‌توان آن را هویت ملی ایرانیان نامید؛ بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین کارکرد این ادبیات، انتقال عنصر اصلی و پایدار فرهنگ و هویت ملی ایرانی به دوره‌های بعد است.

یکی از موضوعات مهمی که در ادبیات فارسی به بهترین‌گونه، بازتاب یافته است، موضوع هویت ملی ایرانیان است. اهمیت این موضوع در این است که آگاهی و آشنایی از هویت و تاریخ گذشته یک ملت، برای کسانی که به هویت ملی و پیشینه تاریخی و فرهنگی سرزمین خود علاقه‌مند هستند، ضروری است؛ به‌ویژه اگر این قوم، ملتی متمدن و صاحب فرهنگ درخشان باشد. بدیهی است که شناخت هویت ملی ایرانیان و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن - که در آثار ادبی بازتاب یافته است - می‌تواند پیوند میان ادبیات و هویت ملی را آشکار سازد؛ بنابراین توجه بیشتر به آثار ادبی و جستجوی مؤلفه‌های هویت ملی در آنها، می‌تواند نقش مؤثری در بازیابی، نوسازی و تقویت هویت ملی ایرانیان داشته باشد. چراکه موضوع هویت در دهه‌های اخیر در میان اندیشمندان، به‌ویژه جامعه‌شناسان، اهمیت بسیاری پیدا کرده است.

از آنجا که ادبیات فارسی، برخاسته از هویت ناب ایرانی است، ظرفی است که توانسته است تمامی ابعاد فلسفی، روانی، فرهنگی و اجتماعی هویت ملی ایرانیان را در خود جای دهد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت ادبیات فارسی جایگاه اعتبار افرادی است که منطق بیان و جادوی هنرشان در ترسیم شرایط، بازتاب یافته از واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، همواره تصویری روشن برای ارزیابی تاریخ فرهنگ و تمدن ایران به دست داده و اثربخشی و کارآمدی نگاه ماندگارشان تا به امروز، پایدار و استوار باقی مانده است. افزون بر آن، ادبیات فارسی از حیث اشتغال به عموم انواع و

قالبه‌های ادبی و آفرینش آثاری سترگ در موضوعات اجتماعی، اعم از حماسی، غنایی، تعلیمی و... به‌ویژه از آن حیث که در بیشترین زمینه‌ها توانسته است شاهکارهای جهانی و درخور ستایش بیافریند، عاملی مهم در هویت‌سازی ایرانیان به شمار می‌آید؛ زیرا به‌ویژه در حماسه‌ها، گذشته‌های تاریخی و فرهنگی یک قوم بازسازی می‌شود.

شاعران و سخن‌سرایان نامی ایران، رسالت خطیر هویت‌سازی ایرانی و انتقال آن به نسل‌های بعد را در حوزه‌های گوناگون به‌خوبی انجام داده‌اند. در این میان، بهترین نوع ادبی که ویژگی‌های هویت ملی ایرانی را به بهترین شکل بیان کرده است، نوع ادبی حماسه با «مشخصه دوران پدرسالاری»، به‌ویژه در دوره‌های آغازین و محدود آن است (مختاری، ۱۳۷۹: ۴۶). دورانی که جامعه از سویی با بینش قهرمانی و ارزشهای نظامی و حکمرانی روبروست و از دیگر سوی، در اوضاع استیلای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بیگانگان به سر می‌برد. بدین ترتیب، نوع ادبی حماسه به شدت تحت تأثیر و نفوذ مذهب، سیاست، گرایشهای گروههای اجتماعی و همچنین، ضرورت‌های ملی زمان خود شکل گرفته است. در واقع این نوع شعر حالت بیداری یک جامعه را در برابر حیات و طبیعت تصویر می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۷). از این رو، حماسه هر ملتی، بیان‌کننده آرمانهای آن ملت است و تلاشهای آن ملت را در راه سربلندی و استقلال، برای نسل‌های بعدی، روایت می‌کند؛ بنابراین حماسه یک شعر «دایرةالمعارفی»<sup>۱</sup> است که در آن، همه‌گونه مطلبی، از اخلاق، الهیات، سیاست، فرهنگ، اجتماع و... بیان شده است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۶۳).

در ادبیات غنایی نیز، «من» شخصی و هویت فردی افراد جامعه پرورده می‌شود؛ به ویژه از آن جهت که ادبیات غنایی در ایران، تحت نفوذ عرفان ایرانی - اسلامی قرار گرفته و به تعالی هویت فردی کمک شایانی کرده است. در ادبیات تعلیمی از هویت فردی سخن گفته می‌شود که در پرتو آموزشهای فرهنگی جامعه، به هویت اجتماعی افراد می‌انجامد. هویتی که بر فطرت اجتماعی خویش و استعداد‌های محیط خود تکیه می‌کند. از این رو می‌توان گفت همه ابعاد گستره بیکران ادبیات فارسی در خدمت تکوین، تداوم و ارتقای هویت ملی ایرانی قرار داشته است. از سوی دیگر،

1. Encyclopedic.

به دلیل ظرفیت‌های گسترده و پیامهای والای انسانی در ادبیات فارسی، این ادبیات می‌تواند در عین تماس سازنده با جهان، پشتوانه‌ای عظیم برای حفظ هویت ملی ایرانی محسوب گردد (برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: قبادی، ۱۳۸۷: ۲۴۰).

پیشینه هویت ملی و وحدت و همبستگی ایرانیان را در دوره‌هایی که مناطق مختلف این مرز و بوم در اختیار حکومت‌های جداگانه‌ای بوده که غالباً نیز، با هم به دشمنی و جنگ و ستیز برمی‌خاستند و چنین می‌نمود که مردمان آن مناطق، به طور کامل، از هم گسسته و بیگانه شده‌اند؛ به روشنی می‌توان در ادبیات فارسی یافت؛ زیرا در تاریخ تکوین همین زبان و ادبیات است که به وضوح می‌توان دید، چگونه همان مردمی که به ظاهر در لوای فرمانروایان مختلف و از هم بیگانه و با هم دشمن و گاه در حال جنگ می‌زیستند، بی‌توجه به آن درگیری‌ها و جنگ و جدال‌های قدرت‌طلبان، همچون مردمی یگانه و هم‌زبان و هم‌فرهنگ، پیوندهای دیرینه خود را همچنان استوار داشته‌اند. بزرگان شعر و ادب و دانشمندان و هر آنچه نمودار فرهنگ و تمدن ایران بوده، از هر گوشه‌ای از این سرزمین پهناور برمی‌خاستند و به هر جا که منتسب می‌بودند، همه آنها را از بزرگان علم و ادب و فرهنگ خود می‌شناختند و این خود بهترین نشانه وحدت و هویت یک قوم و ملت است (محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۱۷۴-۱۷۵).

از این جهت به نظر می‌رسد ادبیات فارسی، جامع‌ترین ظرفی است که هویت ایرانی را در خود جای داده است زیرا این زبان و ادب، زاینده مهاجرت از لهجه‌های مختلف پهلوی جنوبی، به طرف شرق ایران و درهم آمیختن با لهجه‌ها و گویش‌های خراسان بزرگ بوده و از تار و پود خرده‌فرهنگ‌ها، آداب، نقش اسطوره‌ها و آیین مردم ایران سخن می‌گوید و نهایتاً خود را به سیرت و صورت فارسی دری نشان داده و به زبان رسمی و دولتی صفاریان و دولتهای پس از آن ارتقا داده است. زبان فارسی پس از دوره‌های اولیه، به دلیل ماهیت ترکیب‌پذیری و انعطاف زبانی، به نواحی مرکزی و به تدریج نواحی غربی ایران بزرگ گسترش یافته و به صورتی خودجوش و برای تمام شاعران و فرهیختگان به زبانی مقبول برای خلق آثار ادبی تبدیل شده است.

ادبیات فارسی نقشی ممتاز و سهمی منحصر به فرد در بازسازی، سازگاری و همگون‌سازی مؤلفه‌ها و عناصر هویت ملی ایرانی دارد. در این میان، آفرینش و